



کشتار مردم «بایک شهر» کرمان را محکوم می نماییم!

ملت شریف و آزاده ایران،

بار دیگر نظام ضد ملی و ضد مردمی جمهوری اسلامی جنایتی جدید آفرید و نیروهای سرکوبگر آن تعدادی از مردم و کارگران محروم شهر بایک و قریه خاتون آباد، واقع در استان به تازگی زلزله زده کرمان، را به خاک و خون کشاندند. این نیروها که متشکل از عوامل سرسپرده نیروهای بسیج و یگانهای ویژه سپاه بودند، در روزهای شنبه و یکشنبه (۴ و ۵ بهمنماه ۱۳۸۲) تنها پاسخ قابل انتظار سران بی کفایت حکومت را، که همانا گلوله و سرکوب خونین می باشد، برای مردمی آوردند که تنها خواسته آنها یافتن «کار» به منظور تامین معاش شرافتمندانه خود و خانواده هایشان بود.

در این راستا، آخرین گزارشات رسیده، حاکی از کشته شدن حداقل ۸ تن از اهالی معترض و زخمی شدن و دستگیری ده ها تن دیگر از آنها می باشد و ابعاد این صیبعیت و وحشیگری جدید نیروهای حکومت به آن حد بوده که اینک، فرماندهان نظامی خودفروخته رژیم نیز ادعا می نمایند که این کشتار «پس از خروج نیروهای ویژه از شهر!» و «به دست اشخاص ناشناس صورت گرفته است!» بیشک در حکومتی که ریاست جمهوری آن، همواره دانشجویان سکولار و مبارزان و آزادیخواهان را «مشتی اراذل و اوباش» و یا «جاسوس» مینامد و وجود هر تعداد «زندانی سیاسی» را در سپاهجالی های مخوفش انکار مینماید و در مصاحبه اخیر خود، در اروپا، تعداد روزنامه نگاران زندانی را به یک تقلیل می دهد؛ این ادعا مضحک فرماندهان نظامی رژیم نیز امری عجیب به نظر نمی بایست برسد و این خود گواهی دیگر بر ماهیت پلید و عوامفریبی حکومتی نامشروع و لرزان است که داعیه پوچ «عدل» و «جامعه مدنی در ایران» را دارد و همراه با آنها سیاست فضل و بخشش سرمایه های ملی را تنها و تنها برای داشتن حمایت متحدان و شرکای اروپائیش اعمال می کند.

آری، از یکسو در جائیکه محمد خاتمی برای خوش آئی ولی فقیه چوب فروش امید ملی را میزند و محصولات به اصطلاح اصلاح اصلاحطلبان با کساد بازاری خرید ملی روبرو می گردد، بخش موسوم به تندروی محافظه کار هم ناگزیر از ناگزیری سقوط به فکر فرآورده هایی چون «افراد ناشناس»، «برخی غیر مسئول» و یا «گروههای نامشخص» می افتد. فی المثال از حمله و غارت «مایحتاج ارسالی به مردم زلزله زده بم» تا «قاتلان بایک شهر و قریه خاتون آباد»، همه و همه شامل این مستمسک واحی رژیم می شوند؛ و از سوی دیگر، این کشتار جدید در زمانی صورت می گیرد که هر روزه شاهد خاموش بستن شدن تعداد هر چه بیشتری از کارخانجات و واحدهای تولیدی میهنمان و یا خصوصی سازی های لجام گسیخته ای می باشیم که هزاران کارگر ایرانی را تاکنون بیکار و عملاً بنیان صنعتی ایران را یا ویران و یا درحیطه اقتدار دول و شرکتهای خارجی قرار می دهند؛ و بیشک پیدایش و ادامه اینگونه عملکردهای ضد ملی، یعنی اضمحلال و یا انتقال مالکیت صنعت نوپای ایران، عمدتاً به دنبال سیاستهای غلط و عملکردهای منفی کلیت دستگاه حاکمه جمهوری اسلامی و یا اختلاسهای مالی گوناگون مدیران دولتی و آقازاده ها از قبیل پترو پارس و استات اوپل صورت گرفته و همچنان هم می گیرند.

لذا و در واکنش به جنایات روزافزون، چپاولها و ترندهای چنین ساختار اولیکارشیکی-فاشیستی-مذهبی و حرکتیهای مذبحخانه و سودجویانه متحدان اروپائی آن است، که می بایست هر چه سریعتر، مجموعه «نیروهای سیاسی مسئول و پیشرو» میهنمان به منظور نجات ایران و ایرانیان به گرد هم آیند و با کسب اعتماد آحاد ملت، اعم از کارگران و زحمتکشانشان و معلمان و دانشجویان، موج لازم را برای تغییرنهایی در میهن، با استفاده از شرایط مساعد بین المللی کنونی، پدید آورند. متأسفانه تاکنون توسعه روند حرکتیهای خودجوش و پر هزینه مردمی در داخل بسیار باشتاب تر از قافله سلانه برخی از جناحهای اپوزیسیون برونمرزی بوده است که برخی از روشنفکر نماهای آن از تاویل و تفسیر وقایع عاجزمانده اند و همواره مانع از انسجام نیروها گشته اند. لذا بیش از هر زمان دیگر، «مجموعه نیروهای سیاسی مسئول و پیشرو» می بایست که با کنار گذاشتن این اشخاص و به خصوص اختلافات کهنه و یا خواستههای ۱۰۰٪ خود؛ با تکیه بر مخرج مشترک تاکنون بارها اعلام گشته شان، که همانا صرفاً بیانگر خواسته های بر حق «نیروی سوم» یعنی ملت به پا خاسته ایران است، با تشکیل شورایی غیر ایدئولوژیک به منظور پیشبرد اهداف والایی همچو اتحاد کلیه نیروهای سکولار به منظور جایگزینی کلیت جمهوری اسلامی با ساختاری ملی و دموکراتیک از طریق یک همه پرسی راستین و عمومی، گرد هم آیند تا بسیج توده ها و روند آزاد سازی ایران را هر چه سریعتر نمایند.

اکنون، «کمیته هماهنگی جنبش دانشجویی برای دموکراسی در ایران»، حین ابراز مراتب صمیمانه ترین تسلیت های خود به خانواده های قربانیان کشتار شهر بابک و قریه خاتون آباد کرمان و آحاد ملت شریف و آزاده ایران، به ویژه کارگران و زحمتکشان این مرز و بوم، همدردی خود را با آنها و کلیه مجروحان و بازماندگان و حمایت خود را از دستگیرشدگان اعلام می دارد.

این کمیته با باور به نیاز بسیج توده ها و اتحاد کلیه نیروهای پیشرو و سکولار، به منظور خلاصی از کلیت نظام پوسیده جمهوری اسلامی، از آحاد ملت شریف و آزاده ایران که هوشیارانه قهر خود را با کلیه جناحهای حاکم به روشنی نشان داده و بار دیگر وارد بازیهای خیمه شب بازی آنها نگشتند، ابراز می دارد و از آنها دعوت به عمل می آورد تا روز «جمعه اول اسفند ۱۳۸۲» را، در راستای یک نافرمانی سرنوشت ساز و به منظور هر چه بیشتر رسوا نمودن ماهیت نامشروع نظام، با ماندن در منازل خود، تبدیل به یک «روز اعتراضی و تاریخی، نمایند که بیشک همانند تحریم گسترده خیمه شب بازی دیگری، موسوم به «انتخابات شهر و روستا»، اثرات بسیار مثبتی در عرصه فشار جهان بر حکومت دربر خواهد داشت!

باشد تا تحریم گسترده انتخابات خیمه-شب بازی مجلس اسلامی هفتم، هر چه بیشتر موجبات رسوائی، انزوا و اضمحلال کلیت نظام جمهوری اسلامی را پدید آورد!

زنده باد آزادی!
زنده باد سکولاریسم!
برقرار باد دموکراسی!

۶ بهمن ماه ۱۳۸۲
«کمیته هماهنگی جنبش دانشجویی برای دموکراسی در ایران»